

کارگران همه کشورها متحد شوید!

روز ۲۵ تیرماه گروهی از بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای مختلف دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار تأمین معیشت خود شدند. وضعیت زندگی و گذران بازنشستگان بسیار **ادامه در صفحه ۳**

چرا منافع بازنشستگان تأمین نمی‌شود؟



نامه مردم

ضمیمه کارگری

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۵، ۳۰ تیر ماه ۱۳۹۹

کارزار کارگران صنعت نفت برای حذف دلالان نیروی کار



علاوه بر مبارزه کارگران برای دریافت دستمزدها و حق بیمه‌های معوقه، مهم‌ترین خواست‌ها در اعتراض‌های اخیر کارگران لغو خصوصی‌سازی و حذف پیمانکاران و دلالان نیروی کار بوده است.

به‌رغم گسترش اعتراض‌های کارگری و هراس رهبران "نظام" از "طغیان جدی" مردم بیکار و گرسنه، رژیم ولایتی برای "ارزان‌سازی" بیشتر نیروی کار به‌منظور جذب سرمایه‌های امپریالیستی - به‌خصوص در صنایع نفت - در شش ماه اخیر در جهت "انجماد مزدی" و به‌کارگیری کارگران صرفاً با دستمزد حداقلی مصوب شورای عالی کار تلاش کرده است. به‌گزارش ایلنا، ۱۳ خردادماه ۹۹، نشست کارفرمایی در ۳۰ اردیبهشت‌ماه ۹۹ با حضور نمایندگان قوه قضائیه، وزارت کار، وزارت صنعت، سازمان تأمین اجتماعی، معاون حقوقی روحانی، و جز این‌ها، در اتاق ایران برگزار شد؛ که هدف اصلی نشست فراهم آوردن زمینه برای "انجماد مزدی"، و پرداخت دستمزد به کارگران بر اساس "توافق طرفین" بود.

گرچه نشست ۳۰ اردیبهشت‌ماه در اتاق ایران صرفاً به‌عنوان نشستی کارفرمایی منعکس شد، اما کارگزاران "نظام" برنامه و هدف‌ها و برنامه این نشست را از اول سال ۱۳۹۹ در بخشی از صنایع نفت به‌اجرا گذاشته بودند. ایلنا، ۱۸ خردادماه ۹۹، نوشت: "یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کلونی‌های شرکت‌های پیمانکاری، پایتخت نفت و گاز ایران یعنی عسلویه است؛ در "پارس جنوبی، تعداد کارگران پیمانکاری، بیش از دو برابر کارگران رسمی و قراردادی روی هم است." حدود ۲۰۰۰ کارگر "فاز ۱۹ پارس جنوبی در پالایشگاه دهم عسلویه" از آذرماه ۹۸ تا خردادماه ۹۹ بارها تجمع‌هایی اعتراضی بر پا کرده بودند. اعتراض این کارگران "فنی و متخصص"، به "تنظیم نشدن قراردادهای جدید" از اول سال ۹۹ بود. این کارگران اعلام کردند: گروهی از کارفرمایان... قصد دارند با عقد قراردادهای حداقلی با کارگران باسابقه، آن‌ها را از افزایش دستمزد سال جدید محروم سازند، یعنی در قرارداد جدید قید کنند که فقط حداقل مزد به کارگر تعلق می‌گیرد و سابقه و سنوات و مزایای مزدی برابر با صفر است!" بر پایه گزارش خبرگزاری ایلنا، ۶ تیرماه ۹۹، یک شرکت بزرگ پیمانکاری، کار را از وزارت نفت می‌گیرد و به تعدادی شرکت‌های پیمانکاری "فرو دست" می‌سپارد. هرکدام از این شرکت‌های "فرو دست" نیز کار را به چندین شرکت "فرو دست‌تر" واگذار می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، کارگران با تخصص و مهارت یکسان، از سوی واسطه‌های "سلسله‌مراتبی" با قراردادهای "پیمانکاری"، "ارکان ثالثی"، یا "خرید خدمتی"، به‌صورت نیروی کار "کاست‌بندی" شده استثمار می‌شوند. مثلاً دستمزد ارکان ثالثی می‌تواند "یک‌سوم یا یک‌چهارم" دستمزد کارگر رسمی باشد.

ادامه در صفحه ۳

ژرفش بحران اقتصادی و گسترش اعتراض‌های کارگری

افزایش نرخ ارز و هم‌زمان با آن گرانی نرخ کالاها و خدمات همگانی اوضاع معیشتی بسیار دشواری برای مردم میهن ما به‌ویژه کارگران و زحمتکشان پدید آورده است. سقوط پی‌درپی ارزش پول ملی، بیکاری، و بی‌کفایتی رژیم ولایت‌فقیه در مقابله با همه‌گیری ویروس کرونا، اکثریتی از توده زحمتکشان کشور را به دره فقر و فلاکت پرتاب کرده و سطح زندگی و قدرت خرید خانوارهای کارگری را به‌شدت کاهش داده است. آمارهای منتشر شده در خلال روزهای اخیر از رشد شاخص فلاکت در قیاس با سال گذشته حکایت دارند. شاخص فلاکت در نتیجه اجرای برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی اکنون به ۴۵/۵ درصد رسیده است. از سوی دیگر، برآوردهای رسمی از جمله آماري که اخیراً در روزنامه شرق، ۷ تیرماه، انتشار یافته است نشان می‌دهد "جمعیت زیادی از کارگران غیررسمی درآمد حداقلی خود را از دست داده‌اند و نزدیک به ۱ میلیون نفر از کارگران رسمی در صف دریافت بیمه بیکاری انتظار می‌کشند." در این وضعیت **ادامه در صفحه ۲**

پیش به‌سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاها مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

**پیش به سوی اتحاد عمل و ارتقاء سطح سازماندهی و همبستگی
به هدف پیوند اعتراضها و اعتصابهای پراکنده به یکدیگر در
مبارزه علیه دیکتاتوری ولایی!**



منافع صنفی را با خواست‌های سیاسی عام به شکل‌هایی گوناگون پیوند زده و از این ظرفیت که حضور مؤثرتری در جنبش همگانی ضد استبدادی داشته باشد برخوردار شده است. این ظرفیت اما در وضعیت کنونی - با توجه به عامل‌های عینی و ذهنی - با سطح آمادگی‌ای ضروری برای جنبش کارگری انطباق لازم را ندارد. به همین دلیل وظیفه ارتقای سطح سازماندهی و همبستگی در مبارزات جاری کماکان اولویاتی انکارناپذیر است. در چارچوب وضعیت موجود و محاسبه واقع‌بینانه از تمامی امکانات و توانایی‌ها، باید سطح آمادگی جنبش اعتراضی کارگران را با تشدید مبارزه افزایش داده و موقعیت جنبش کارگری و سندیکایی را در تحول‌های صحنه سیاسی کشور تقویت کرد. برای آنکه جنبش اعتراضی کارگران و حرکت‌های سندیکایی کنونی بتواند پایه‌ای تحول‌ها و جریان‌های صحنه‌های پرتحول و پرشتاب سیاسی کشور رشد کرده و اثرگذاری‌اش را در جنبش سراسری ضد دیکتاتوری تقویت کند، بیکار خستگی‌ناپذیر با استفاده از همه روزنه‌ها و امکانات برای احیای حقوق سندیکایی همچنان در دستور کار مبارزه قرار دارد.

در هفته‌های گذشته کشور ما موج تازه‌ای از اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها در سراسر کشور را شاهد بوده است. در مجتمع نیشکر هفت‌تپه اعتصاب کارگران یک ماه را پشت سر گذاشت. هم‌زمان با آن، کارزار مخالفت با قراردادهای موقت و دلالت‌های نیروی کار در صنعت نفت کشور ادامه یافته و رو به گسترش بوده است. رژیم ولایت فقیه و ارگان‌های امنیتی‌اش، متناسب با اوضاع سیاسی، برنامه‌های چندوجهی به منظور مقابله با جنبش کارگری تهیه و تدوین کرده‌اند. به‌طور مثال، در ارتباط با اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه سیاست استبداد مذهبی بر فرسایشی کردن مبارزه و ناامید ساختن کارگران همراه با تهدید و تطمیع بوده است. هم در مورد اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه، هم در مورد کارزار گسترده کارگران صنعت ملی نفت ایران، ارگان‌های امنیتی با همدستی عنصرهای نفوذی، جریان‌های ناسالم و مشکوک، و رهبری تشکل‌های زرد حکومتی، تحمیل انزوا و محدود کردن اعتراض‌ها به فضای محدود و محلی و نیز به یک صنعت معین، و جلوگیری از ارتباط پیدا کردن اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها با یکدیگر را به شکل‌هایی گوناگون پیگیری کرده و می‌کنند. به‌علاوه، با شیعه‌پرانی تلاش شده اعتصاب به سلاحی ناکارآمد برای کارگران جلوه‌گر شود.

فراموش نکنیم که در اوضاع کنونی افشای ترفندهای رژیم و ارگان‌های امنیتی‌اش جزو وظایف تأخیرناپذیر همه هواداران راستین منافع طبقه کارگر است. مبارزه کارگران مانند اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه و دیگر اعتراض‌ها همگی به‌حق و عادلانه‌اند و وظیفه مهم فعالان سندیکایی برقراری پیوند بین اعتراض‌های پراکنده با یکدیگر است.

تحول‌های پرشتاب سیاسی ضرورت حضور فعال و سازمان‌یافته جنبش کارگری - سندیکایی در مبارزه سراسری علیه استبداد مذهبی حاکم را دوچندان کرده است. باید از هر باره در راه تقویت این جنبش و ارتقای سطح آمادگی آن مبارزه کرد.

ادامه ژرفش بحران اقتصادی ...

سیاست ضد کارگری تعدیل نیروی انسانی و آزادسازی مزد با قوت تمام در حال اجراست. تعدیل نیروی کار یا به‌عبارت دقیق‌تر اخراج کارگران با توجه به همه‌گیری کووید-۱۹ رواج شیوه به‌اصطلاح دوری‌کاری با کاهش شدید میزان دستمزد را سبب شده و همچنین در برخی واحدهای مهم صنعتی و خدماتی افزایش ساعات کار بدون دریافت حقوق و مزایای اضافه‌کاری را موجب شده است. در بخش صنعت، در اغلب واحدهای تولیدی - صنعتی از جمله صنایع کلیدی و بزرگ کشور، ما با پدیده دستمزدهای معوقه، اضافه‌کاری بدون دریافت مزد مناسب، و نقض ابتدایی‌ترین قوانین کار روبرویم. این مسائل از علت‌های اصلی رشد ناراضی‌ت و اعتراض‌ها در واحدهای بزرگ در خلال هفته‌های اخیر است.

سیاست رژیم ولایت فقیه با ادامه اجرای برنامه ضد ملی تعدیل ساختاری زمینه ژرف‌تر شدن بحران را فراهم آورده است. دولت در چارچوب سیاست‌های کلی نظام که ولی فقیه بر آن مهر تأیید کوبیده، برای جبران کسری بودجه و کسب درآمد ارزی دست در جیب توده‌های مردم کرده و بار بحران را با بی‌رحمی تمام به دوش طبقه کارگر، زحمتکشان، و لایه‌های تهی‌دست جامعه انداخته است. در حالی که دهه‌ها هزار کارگر در واحدهای مختلف قدرت تأمین معیشت خود و خانواده‌های‌شان را ندارند و مزدهای معوقه‌شان به معضلی فرآگیر در گذران زندگی‌شان تبدیل گردیده، دولت و رژیم با تأکید بر فشارهای تحریمی و کاهش شدید درآمدهای ارزی، کارگران و زحمتکشان را "به تحمل" این وضع فرامی‌خوانند. اما آیا این فراخوان و سیاست رژیم ولایت فقیه صادقانه است؟ حتی با نگاهی گذرا به برآوردهای رسمی می‌توان پاسخ را یافت. برپایه آمارهای رسمی دو سال اخیر، از ۷۵ میلیارد دلار صادرات کمتر از ۴۸ میلیارد دلار آن به کشور بازگشته و ۲۷ میلیارد دلار هرگز وارد سیستم مالی ایران نشده است. چه کسانی با کدام امکانات و حمایت‌های سیاسی می‌توانند ثروت ملی و همگانی را چنین به‌یغما ببرند؟! این در حالی است که طبقه کارگر و زحمتکشان حتی همان دستمزد ناچیز ماهیانه‌شان را نمی‌توانند به‌موقع دریافت کنند و غالباً بین ۱ تا ۶ ماه طلب مزدی دارند، اما در همان حال لایه اجتماعی‌ای کوچک و ثروتمند از افراد بانفوذ که ارکان نظام حاکم حامی منافع آنان است، میلیاردها تومان دارایی و ثروت ملی را تصاحب و به خارج از کشور به‌ویژه به اروپا و آمریکای شمالی منتقل می‌کنند.

در ارتباط با وضعیت وخیم اقتصادی و ژرف‌تر شدن بحران کنونی برخی کارشناسان امور اقتصادی و اجتماعی اعلام می‌کنند: "در مجموع این سه سال حدوداً صد درصد تورم جمعی به اقتصاد ایران تحمیل شده است. در حالی که حقوق و دستمزد کارگران... شکاف ۴۰ درصدی را نشان می‌دهد. سه نظام کلیدی اقتصاد ایران (نظام‌های بانکی، مالیاتی، و یارانه‌ای) به‌درستی کار نمی‌کنند. با این سه نظام معیوب اقتصادی نمی‌توانیم بازتوزیع ثروت را دنبال کنیم... دو دهک بالای درآمدی به دلیل داشتن دارایی بالا، سودهای کلانی را عاید خود کرده‌اند و ثروتشان چندین برابر شده است... روز به‌روز شکاف بین سقف و کف جامعه بیشتر و بیشتر می‌شود. نظام بانکی ایران، تسهیلات را به سمت دهک‌های کم‌درآمد هدایت نمی‌کند..." [به نقل از روزنامه شرق، ۱۷ تیرماه ۹۹]. با توجه به این وضعیت باید یادآور شد که مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما از چند سال پیش به‌این سو علیه برنامه‌های اقتصادی به‌ویژه خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی تا چه حد صحیح، پراهمیت، و هوشیارانه بوده است. این مبارزه علیه برنامه تعدیل ساختاری همچنین دربرگیرنده منافع لایه‌های گسترده اجتماعی متضرر از برنامه‌ها و سیاست‌های استبداد مذهبی حاکم است و می‌تواند مبنای اتحاد عمل و همکاری در چارچوب جبهه‌ای واحد در مبارزه با دیکتاتوری ولایی قرار گیرد.

تجربه مبارزات جنبش کارگری و سندیکایی، با همه فراز و فرودهایش، کاستی‌ها و نقاط قوت و ضعف این واقعیت را به‌اثبات رسانده است که، جنبش اعتراضی کارگران با درک واقع‌بینانه و درست از امکانات و توازن کنونی نیرو در مبارزه طبقاتی و برپایه درست سنت‌های انقلابی‌اش، مبارزه به‌منظور تأمین

در دفاع از امنیت شغلی روزنامه نگاران و خبرنگاران



معیشت، امنیت شغلی، و حقوق خبرنگاران، بخصوص حق تشکیل دادن سندیکاهای مستقلشان مانند حقوق دیگر زحمتکشان از سوی رژیم ولایتی به شدت نقض و پیامال شده و می شود. با گسترش دامنه اثرات تعدیل ساختاری به تمام

عرصه های اشتغال زحمتکشان، روزنامه نگاران نیز از آسیب اجرای این سیاستها برکنار نمانده اند. اوایل سال جاری مدیرمسئول روزنامه شرق ندانستن توان مالی این روزنامه در پرداخت "دستمزد مصوب امسال" به خبرنگارانش را اعلام کرد. این درحالی است که حقوق خردماه خبرنگاران شرق با ۳۰ درصد کاهش نسبت به سال قبل پرداخت شد. متعاقب این کاهش دستمزد، حداقل ۱۵ نفر از خبرنگاران روزنامه شرق، بعضی با سابقه کاری بیش از ۱۰ سال، از کار اخراج شدند. مورد دیگر هم اینکه، اخیراً در یک برنامه تلویزیونی، مدیر روابط عمومی سازمان حفاظت از محیط زیست مدعی شد "برخی از خبرنگاران محیط زیست با بیگانگان در ارتباط هستند." سپس در پی این ادعا و واکنش یک خبرنگار محیط زیست در خبرگزاری ایسنا به این دروغ، این خبرنگار از کار در ایسنا اخراج شد.

عده پشمارای از روزنامه نگاران کشورمان در هفته دوم تیرماه و در "بیانیه شماره یکم" شان به "انفعال چندساله انجمن صنفی روزنامه نگاران تهران"، "ترکیب بعضاً کارفرمایی هیئت مدیره" اعتراض شدیدی کردند و به واکنش این انجمن صنفی به "اخراج چند ده خبرنگار و روزنامه نگار" و همچنین نسبت به "مواضعش در قبال بی ثباتی قراردادهای کار، دستمزدهای کم و غیرقانونی" به شدت انتقاد کردند. این عده از خبرنگاران و روزنامه نگاران از "انتخابات پرشبهه هیئت مدیره و رد صلاحیت تعدادی از دلسوزان"، ارائه نکردن گزارش هایی دقیق از جلسه های هیئت مدیره انجمن صنفی، مخالفت انجمن صنفی با صدور بیانیه از سوی روزنامه نگاران روزنامه شرق، شفاف سازی نکردن "در باره حامیان مالی این انجمن صنفی" انتقاد کردند. "تنی چند از اعضای هیئت مدیره" این انجمن صنفی روزنامه نگاران تهران نیز (مانند برخی رهبران تشکل های به اصطلاح کارگری زرد حکومتی که در مقام مشاور در وزارت کار و وزارت صنعت به "نظام" خدمت می کنند) برخلاف اساسنامه "انجمن صنفی روزنامه نگاران تهران" در مقام "گامند و یا مشاور رسانه ای و روابط عمومی دولت" با دولت و مجلس و قوه قضائیه همکاری می کنند! پویه رژیم ولایتی در ساختن تشکل های گوش به فرمان زحمتکشان در عرصه های مختلف به هدف بهره کشی از زحمتکشان این عرصه ها و تداوم نقض آشکار حقوق کار آنان یکسان است. روزنامه نگاران و خبرنگاران - در مقام بخشی از طیف زحمتکشان فکری و بدی کشور - امنیت شغلی، آزادی اندیشه و قلم، دستمزد عادلانه، و حق برخورداری از تشکل مستقل سندیکایی خویش را خواستارند.

ادامه کارزار کارگران صنعت نفت برای ...

متعاقب تجمع های اعتراضی پی در پی کارگران پیمانکاری در عسلویه و با آغاز کارزاری دامنه دار، کارگران پیمانکاری صنعت نفت در "سراسر کشور... حذف پیمانکاران از روابط کار" را خواستار شدند. کارگران صنایع نفت و گاز کشور در تجمعی گسترده در مقابل ساختمان وزارت نفت در تهران، ۹ تیرماه ۹۹، اجرای "ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت" در رابطه با "ترمیم پایه های حقوق" را خواستار شدند. جالب این جاست که کارگران رسمی نیز در این تجمع اعتراضی شرکت داشتند. مبارزه و اعتراض رو به گسترش کارگران صنعت ملی نفت ایران از اهمیتی جدی برخوردار است و باید در حمایت و تقویت آن کوشید. با مبارزه ای متحد و پیگیر، می توان رژیم غارتگر ولایتی را به عقب نشینی و حذف دلالتان نیروی کار مجبور کرد.

ادامه چرا منافع بازنشستگان ...

وخیم است. رژیم ولایتی با تحمیل هزینه های کلان خودش به سازمان تأمین اجتماعی کارگران و غارت اندوخته های آنان در این سازمان در بیش از سه دهه اخیر، وضعیت نابهنجار معیشتی و درمانی ای را برای کارگران و بازنشستگان تأمین اجتماعی به وجود آورده است. غارت منابع مالی کارگران در این سازمان از سوی مدیران فاسد و وابسته به دولت ها و از جمله نماینده های دوره های مختلف پیشین مجلس و دیگر ارگان های حکومتی، و در کنار این ها و به وسیله آنان تحمیل هزینه بیمه بیش از ۲۲ گروه خاص به تأمین اجتماعی، تحمیل ۸۰ درصد از هزینه های کلان طرح "تحول نظام سلامت" به این سازمان، خصوصی سازی بخشی هایی از شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی (شستا) در ماه های اخیر، و تحمیل هزینه های کلان درمان بیماران کرونایی به سازمان تأمین اجتماعی، وضعی شکننده برای سازمان به وجود آورده است. در حال حاضر رژیم ولایتی ۳۱۷ هزار میلیارد تومان به تأمین اجتماعی بدهکار است.

اکنون با "شوکرمانی ارزی" در تیرماه ۹۹، هزینه سبد معیشت خانوار کارگری بنا به محاسبه خود حکومت فقط در ۵ ماه اخیر یک میلیون و ۸۶۰ هزار تومان افزایش یافته است. در شرایط چنین افزایشی در هزینه سبد معیشت خانوار کارگری، بنا به گزارش ایلنا، ۷ تیرماه ۹۹، مخالفت های وزیر کار و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی با افزایش حتماً "مزایای مستمری بگیران به اندازه کارگران شاغل"، مستمری بازنشستگان به مقدار "۳ میلیون و ۱۲ هزار تومان" در ماه، یعنی حدود یک پنجم خط فقر، تعیین گردید. بعد از اعتراض های گسترده بازنشستگان، خبرگزاری ایلنا، ۱۹ تیرماه، از قصد روحانی به "پرداخت ۳۲ هزار میلیارد تومان از بدهی های سازمان تأمین اجتماعی در قالب واگذاری سهام ۹ شرکت" به منظور حل به اصطلاح "همسان سازی" مستمری های بازنشستگان تأمین اجتماعی خبر داد. "همسان سازی" وعده ای بود که رژیم در سال های دهه ۱۳۸۰ به بازنشستگان تأمین اجتماعی داده بود. اکنون می خواهند حتی غارت منابع ملی و اموال کارگران در تأمین اجتماعی را به اسم خود کارگران جا بزنند.

حدود ۷۰ درصد بازنشستگان حداقل بگیرند. گزارش ۲۰ تیرماه ایلنا می گوید که، در صورت اجرای همسان سازی، مستمری حداقل بگیران ۴۰۰ هزار تومان افزایش و به حدود ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان در ماه، یعنی کمتر از یک چهارم خط فقر، خواهد رسید. عنصر فاسد معاون خانه کارگر در چنین وضع اسفناکی از معیشت زحمتکشان، در ۱۹ تیرماه با ابراز "تقدیر" از روحانی بابت "واگذاری بخشی از سهام ۹ شرکت" به تأمین اجتماعی به منظور مهار اعتراض های کارگران در سالگرد تصویب قانون تأمین اجتماعی در ۲۵ تیرماه، گفت: "اگر همسان سازی در همان دهه ۸۰... اجرایی می شد در سال ۹۹ حداقل بیش از ۱ میلیون تومان به مستمری افزوده می شد... البته بنا نداریم در این روز [۲۵ تیرماه] برای کسی زنده باد یا مرده باد بفرستیم."

در ادامه غارت اموال کارگران در سازمان تأمین اجتماعی، مدیرعامل این سازمان روز ۲۲ تیرماه گفت: "برای چابک تر شدن سازمان تأمین اجتماعی باید از بنگاهداری و شرکت داری خارج شد... خروج از بنگاهداری تأکید قانون و دولت است"، اما در ادامه سخنانش "هیپکو" را یکی از "بنگاه ها و شرکت های" واگذار شده به سازمان نام برد. جالب این جاست که روز ۲۴ تیرماه، ایلنا از خوابیدن تولید هیپکو در "یک سال و نیم" اخیر و بدهی های کلان هیپکو گزارش داد. آیا با چنین ترندهایی حقوق بازنشستگان تأمین خواهد شد؟ بی گمان تشدید مبارزه یگانه راه مطمئن برای تأمین منافع بازنشستگان است.



مطالبه کارگران کانادا: سیاست‌های ضد کارگری و برنامه خصوصی‌سازی



بخشی از یورش به حقوق زحمتکشان و حذف آن‌ها از برنامه دولت عبارتند از: حذف سقف پرداختی برای شهریۀ مقطع دوره دوم دبیرستانی، افزایش بهره بانکی وام دانشجویی، چپاول اندوخته بازنشستگی معلمان... حذف برنامه‌های کودکان تحت مراقبت، از لیست خارج کردن کمک به معلولان، حذف برنامه‌های کمک به اجاره مسکن در سطح استان. نژادپرستی، دیپلماسی حزب کمونیست استان آلبرتا، کانادا، تأکید می‌کند که بعضی از اقدام‌های حزب محافظه‌کاران متحد که حذف پرداختی به پزشکان و تأخیر در پرداخت چک درآمد حداقلی برای معلولان و بیکاران را شامل می‌شود مردم را بیشتر آزار می‌دهد.

رانکین می‌گوید: "قطع پرداختی به پزشکان آلبرتا باعث خواهد شد که پزشکان این استان را ترک کنند. در مورد چک‌های معلولان و بیکاران میزان این پرداختی‌ها هم اکنون هم به‌طور درآوری کم و با تأخیر طولانی پرداخت می‌شود و این یعنی که آنان قادر به پرداخت اجاره مسکن و هزینه‌های خود در اول همراه نخواهند بود." حزب کمونیست کانادا ابراز همبستگی توده‌ای و اعتراض به برنامه‌های دولت را درخواست کرده است. حزب از کارگران خواست که "اتحادیه‌های خود را وادار به اقدام کنند... کارگران در کلیه بخش‌ها باید از مبارزات یکدیگر به‌منظور حفظ مشاغل و بازگرداندن برنامه‌های حمایت اجتماعی پشتیبانی کنند. کارگران بخش خصوصی با کارگران بخش عمومی منافع مشترک داشته و برای امنیت شغلی‌شان مبارزه می‌کنند. پرستاران برای تأمین امنیت شغلی، مقابله با خصوصی‌سازی، و معیشت بهتر با آموزگاران، کارگران لوله‌کشی و کارگران برق منافع مشترک دارند. این امری حیاتی است که زحمتکشان آلبرتا در یک همبستگی و به‌صورت توده‌ای مبارزه کنند!"

راه‌یمایی اعتراضی در برابر پارلمان استان آلبرتا کانادا که واحدهای سندیکاهای محلی آدمونتون سازمان‌دهی کرده بودند از طرف کنفرانس معلمان، کارکنان خدمات اجتماعی و دیگر کارکنان بخش عمومی، و همچنین دانش آموزان دبیرستانی و هنرمندان، پشتیبانی شد. هم‌زمان با آن، فدراسیون کارگری استان آلبرتا کانادا (ای اف ال) مرحله بعدی اعتراض‌ها در مخالفت با برنامه‌های دولت را با خواست‌هایی همچون مخالفت با خصوصی‌سازی، شناورسازی قوانین و یورش به دستمزد و حقوق کارگران آغاز کرده است. دبیر فدراسیون کارگری استان آلبرتا کانادا می‌گوید: "اعتراض‌های جدید را بر اساس خواست هزاران کانادایی ساکن استان آلبرتا- که نماینده آنان هستیم- سازمان‌دهی خواهیم کرد. آنان می‌بینند که دولت در مورد حقوق پزشکان، کارکنان بخش بهداشت، پرستاران و فرهنگیان چگونه عمل می‌کند. آنان می‌بینند که دولت محلی مالیات شرکت‌های بزرگ را کاهش داده و نیز از تصمیم‌شان به حذف مهدکودک‌ها و مزایای بازنشستگان آگاه هستند."

[برگرفته از: سایت حزب کمونیست کانادا، نشریه صدای مردم، ۱۸ اسفندماه ۱۳۹۸/۸ ماه مارس ۲۰۲۰].

زمانی که حزب "محافظه‌کاران متحد" (یوسی پی) در سال گذشته به حکومت کوتاه‌مدت حزب "دمکرات‌های نوین" (ان دی پی) خاتمه داد، جنبش کارگری استان آلبرتا کانادا به‌خوبی می‌دانست که راه سختی را در پیش خواهد داشت. برخلاف دوره پیشین در سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی، یعنی آن زمان که اتحادیه‌های کارگری آلبرتا با وجود بیشتر بودن اعضای‌شان آمادگی لازم را برای مبارزه نداشتند، اکنون و این بار اما جنبش کارگری مبارزانش را بلافاصله شروع کرد. حمله‌های وحشیانه به حقوق زحمتکشان از سوی حزب محافظه‌کاران متحد از فردای آغاز به‌کار دولت آن شدت گرفت. این حمله‌ها شامل لغو همه دستاوردهایی بود که جنبش کارگری در دوره‌های پیشین به‌دست آورده بود. در آخرین تنظیم بودجه استان آلبرتا در سال جدید، منافع و حقوق کارگران به‌کلی نادیده گرفته شد که این موضوع به برپایی اعتراضی گسترده منجر گردید. در شهر آدمونتن (مرکز استان آلبرتا)، در روز ارائه بودجه، ۱۳ هزار نفر تظاهراتی بر پا کردند. در سراسر استان آلبرتا، در مدیسن هت، ردیور، و دیگر شهرهایی که سابقه مبارزات کارگری داشتند، به‌مدت دو روز این تظاهرات اعتراضی ادامه یافت. در بودجه سال جدید، هزارو ۴۳۶ شغل در بخش عمومی حذف خواهد شد و از بودجه خدمات ویژه عمومی به‌میزان ۸۱۳ میلیون دلار کاسته می‌شود. دبیر اتحادیه کارکنان استان آلبرتا کانادا (آیو پی ای) که ۱۸ هزار عضو دارد، می‌گوید: "من تاکنون چنین حکومت دورویی را ندیده بودم. نخست‌وزیر از یک طرف می‌گوید من از منافع مردم آلبرتا دفاع می‌کنم، ولی درواقع فقط برای منافع شرکت‌های بزرگ دارد کار می‌کند. او مبلغ ۴/۷ میلیارد دلار تخفیف مالیاتی برای بعضی از همان شرکت‌های بزرگ داده است که دارند کارگران‌شان را اخراج و شهرهای حاشیه‌ای را متروکه می‌کنند بدون اینکه مالیات خود را بپردازند و در عوض آن، از مردم می‌خواهند که هزینه‌ها را بپردازند."

افزون بر این‌ها، دولت افزایش بودجه هزینه‌های بهداشت را در سقف ۰/۳ درصد محدود کرده است.

حمله‌های حزب محافظه‌کاران متحد به سیستم آموزشی یکی از اقدام‌های عمده این دولت است. در بودجه پیشنهادی از هیئت‌امانی آموزش و پرورش می‌خواهد که از پس اندازه‌های ذخیره‌اش استفاده کند و درعین حال ۶ درصد از بودجه آموزشی دوره دوم دبیرستانی را هم قطع کرده است. طبق برآورد دبیر اتحادیه فرهنگیان استان آلبرتا کانادا (ای تی ای)، در پاییز سال آینده حدود سی هزار دانش‌آموز بدون بودجه حمایتی وارد مدارس استانی خواهند شد. وزیر آموزش استان ادعا می‌کند که هیئت امنای در سال آینده افزایش بودجه خواهد داشت، اما دبیر اتحادیه فرهنگیان استان آلبرتا کانادا با خطاب به وزیر آموزش به نکته‌ای مهم اشاره می‌کند. او می‌گوید که وزیر آموزش استان به قطع ۱۳۶ میلیون دلاری بودجه [هیئت‌امانی آموزش و پرورش] برای سال ۲۰۱۹ - ۲۰۲۰ هرگز اشاره‌ای نمی‌کند.

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

20 July 2020

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727



ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۳۵
Nameh Mardom - Workers Supplement No.35